

اتصال ۲ نسل در زنگ خرد و تجربه

جامعه پدیا

فاصله بین نسل‌ها در اثر پیری جمعیت دائماً بیشتر می‌شود. تعداد تولدها کاهش پیدا می‌کند تا جایی که ممکن است رابطه کهن میان پدر بزرگ و مادر بزرگ با نوه‌هایشان کمرنگ و محو شود. در ساختار قدیمی خانواده، چند نسل در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، اما با تغییر فرهنگ شاید به نقطه‌ای برسیم که کودکان دیگر خاطراتی از کهنسالان و سخنان بازندگی در کنار آنها نداشته باشند. بچه‌هایی که در ستین کودکی فقط با نسل والدین خود تماس دارند و از نزدیک با سالمندان معاشرت نمی‌کنند بخشی از تجربه اجتماعی خود را کسب نخواهند کرد و تصور ناقصی از مراحل زیستی و افزایش سن خواهند داشت. کشورهایی که با بحران سالمندی جمعیت روبه‌رو هستند می‌دانند که با این روند اتصال میان ۲ نسل از جمعیت قطع می‌شود. حالا که ساختار خانواده‌ها تغییر کرده است، سیاست‌گذاران اجتماعی باید راهی برای کاهش فاصله میان این ۲ نسل پیدا کنند.

در طرح «زنگ خرد و تجربه» که شهرداری تهران با همکاری آموزش و پرورش به اجرا درمی‌آورد، سالمندان به دیدار کودکان مدارس ابتدایی می‌روند. اعظم گودرزی، مدیر کل دفتر سلامت و تندرستی وزارت آموزش و پرورش در این باره به همشهری می‌گوید: «اهمیت آشنایی کودکان با مقوله سالمندی باعث شده است که بخشی از فعالیت‌ها و برنامه‌های مدارس به این موضوع و آموزش‌های مرتبط با آن اختصاص پیدا کند.

در تقویم برنامه‌ها هم موضوع سالمندی گنجانده شده و در این زمینه با سایر ارگان‌ها همکاری می‌کنیم.» او با اشاره به مزایای برقراری ارتباط میان کودکان و سالمندان، تأکید می‌کند: «همان‌دگان آموزش و پرورش در جلساتی که برای همکاری و هماهنگی میان دستگاه‌ها در حوزه سالمندی تشکیل می‌شود شرکت دارند و از این طریق زمینه اجرای برنامه‌های مشترک فراهم می‌شود. برگزاری چنین برنامه‌هایی که کودکان را با قشر سالمند جامعه آشنا می‌کند در رشد آگاهی و شخصیتی آنها تأثیر خواهد داشت.»



دورهمی و خاطره بازی

اصل و شرح

در زنگ خرد و تجربه، در هر منطقه شهر تهران ۲ مدرسه میزبان سالمندان خواهند شد. این دیدارها به شکل دورهمی‌هایی با دانش‌آموزان برگزار می‌شود که بخشی از آن شامل خاطره‌گویی و بخشی شامل بازی‌های ساده

یک خرید، چند اتفاق نیکو

درباره نخستین پلتفرم مسئولیت اجتماعی که دل‌ها را به هم نزدیک‌تر می‌کند

جامعه امروز

فاطمه عسگری‌نیا | روزنامه‌نگار | اقرار نیست برای هر کار خیر حتماً دست‌به‌جیب شویم یا منتظر فراخوانی برای کمک بمانیم. گاهی همان خریدی که هر روز انجام می‌دهیم، می‌تواند بخشی از یک کار اجتماعی شود؛ از آبرسانی به روستاهای دورافتاده سیستان و بلوچستان گرفته تا آماده کردن



یک خرید، یک قدم برای آب

یکی از پروژه‌هایی که آقایی به آن اشاره می‌کند، آبرسانی به روستاهای منطقه بلوچستان است؛ پروژه‌ای که به گفته او حدود ۱۴ تا ۱۵ روستا را هدف قرار داده و تاکنون آبرسانی به ۴ روستا انجام شده است. او می‌گوید در مناطق بلوچستان فاصله روستاها با یکدیگر گاهی به ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر می‌رسد و اجرای پروژه آبرسانی در چنین شرایطی فقط به لوله‌کشی محدود نمی‌شود و ساخت مخازن و تجهیزات تقویت فشار آب را هم شامل می‌شود.

۶۶

در این مدل فرد خرید معمول خودش را انجام می‌دهد، اما مبلغی که در قالب «بازگشت» به حسابش می‌آید، می‌تواند در جریان پروژه‌های اجتماعی هزینه شود. به این ترتیب مشارکت اجتماعی از یک اقدام جداگانه فاصله می‌گیرد و به بخشی از رفتار روزمره مردم تبدیل می‌شود

از خرید روزمره تا کار خیر

شاید خیلی‌ها دوست داشته باشند در کارهای خیر و اجتماعی سهمی داشته باشند، اما همیشه فرصت، امکان یا حتی اطلاع کافی از این پروژه‌ها ندارند. «بازگشت» با همین ایده شکل گرفته؛ اینکه مشارکت اجتماعی الزام‌ناپذیر یک کار جداگانه از زندگی روزمره باشد و حتی می‌تواند از خریدهای معمول مردم شروع شود. علی‌آقایی، مسئول مارکتینگ پروژه بازگشت درباره ایده شکل‌گیری این پلتفرم می‌گوید: «ما مکانیسمی داریم که هر کسی خریدی انجام می‌دهد، بخشی از مبلغ خرید دوباره به حساب خودش برمی‌گردد. این مکانیسم را به مسئولیت اجتماعی متصل کرده‌ایم.»



شاخ به شاخ شدن بامرگ

آمار تصادفات جاده‌ای، ترمز بریده است و هر سال و هرماه که آمار جدیدی از سبوی پلیس راهور اعلام می‌شود، می‌بینیم و می‌شنویم که چه جان‌هایی قربان زندگی را از دست داده‌اند. یکی از همین تصادفات

به دلیل ضبط اتفاقی لحظه برخورد، روز گذشته مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. زمانی که یکی از سرنشینان خودرو در حال فیلمبرداری از پیچ و خم‌های جاده‌ای در مسیر شمال بود، لحظه

شاخ‌به‌شاخ شدن با خودروی دیگری را ثبت کرد؛ لحظه‌ای که بدون شک برای بخشی از هزاران نفری که هر سال به خاطر خودخواهی و بی‌احتیاطی یک‌راننده در جاده جان باخته‌اند، بارها تکرار شده است.

مکت

تخصص و شهرت‌هایی از صد دانه یاقوت

انارستان‌ها در آستانه برگزاری جشن ملی انار از رفت‌وآمد باغداران و کارگران شلوغ می‌شود. بعضی باغداران، کم‌کمک دست به کار می‌شوند و گاهی با چوب‌دستی بلند شاخه‌های سنگین از انارهای رسیده را پایین می‌کشند. دستشان می‌گیرند و بعد با یک حرکت دست به راست یا چپ، تعدادی از انارها را از شاخه جدا می‌کنند. محمد، یکی از همین باغداران است که مسئولیتی نیز در شورای برگزاری جشن هه‌نارانه هورامان دارد: «زمان تقریبی برگزاری جشن، بین نیمه دوم مهر و نیمه اول آبان، زمان دقیقش هم به تغییرات سالانه آب‌وهوا بستگی دارد... سالی که گرم باشد، جشن دیرتر برگزار می‌شود.»

جمله بعدی محمد این است: «این روزها زنگ خور گوشتی اهالی هورامان از سلین تا زیوار زیاده. از این‌ور و اون‌ور زنگ می‌زنن تا خبر تاریخ جشن رو بگیرن. بیشتر از همه تورلیدر از زنگمون می‌زنن.» شهرت رب اناریزی در سلین اما با چمین شیخی است؛ رب‌انارهایی که می‌پزد شیشه‌شیشه تا پنگه دنیا هم به سوغات رفته. از ۵۰ کیلو انار آبدار که چند ساعت رو آتش قل زده و پته‌هاش (مخلوط آب و هسته انار) جدا شده، چندبار هم از صافی گذشته، ۲ کیلو رب غلیظ مجلسی درمیاد. مشتری‌هایی دارم که ایران، این‌ر و اون‌ر سوغات می‌برن اون سر دنیا.» انارها در روستاهای هورامان رسیداند و منتظر جشن و مشتریان از دور و نزدیک.



جشن دانه‌های یاقوت

جشن برداشت انار در روستاهای پلکانی هورامان، پای گردشگران را به باغ‌های زاگرس باز می‌کند

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | انارها در روستاهای سلین، زیوار، ناو و دله‌م‌رز در انارستان‌های هورامان حسابی رسیده و آبدار شده‌اند. هزاران تن دانه‌سباز، ملس، یارالی، تشی و کوه (انواع انار اقلیم غرب ایران) از سرشاخه‌های درختان آویزانند و منتظر، تا خیلی زود برای جشن «هه‌نارانه» (جشن ملی انار) دستچین باغداران و کارگران شوند. بعد از چیده شدن، باراعلاشان با پوست خنکی و سفت، راهی سبدهای چوبی برای فروش عمده می‌شود و ترک‌دار و لپیده‌هاشان هم همانجا، میان بیش از ۶۵۰ هکتار از انارستان‌های سبزر در دامنه‌های زاگرس و سیراب از چشمه‌های سیروان و لیل، کمی به تازه‌خوری انار چینیان می‌رسند و بیشتر اما کنار دست زنان سیلچمانه خوان (آواز محلی) برای دانه و رب شدن، کپه و گونی می‌شوند. اینجا منطقه تاریخی هورامان، شهرستان سروآباد، استان کردستان است که این روزها ساکنان روستاهای پلکانی‌اش در تک و تایی برداشت انار و برگزاری جشن ملی انار و میزبانی از گردشگران فراوان هستند.

طعم شاد انارهای کوهستانی هورامان

از همان وقت که نخستین گلزارها یکی پس از دیگری بر درختچه‌های انار در انارستان‌های کوهستانی سلین شکوفه می‌زنند بسیاری تصمیم می‌گیرند پاییز راهی جنوب کردستان شوند و به جشن انار هورامان یا آیین شکرگزاری هه‌نارانه که ثبت ملی هم شده برسند. میانشان، بعضی که در تصمیم خود جدی‌ترند، همان وقت که شکوفه‌ها به انارهایی زرد و نارس تبدیل می‌شوند و باغداران، مانند کاک فاتح، سسرگرم هرس کاری هفتگی درختان است، بی‌همسفر و تور گردشگری می‌گردند. اینجا، خلاصه‌ای از حرف‌های هوراز امیری، دختر کاک‌فاتح به خیرنگار همشهری است.

هوراز، هم فوت و فن پختن رب‌انارهای خوش‌طعم را می‌داند و هم از بلاگری شبکه‌های مجازی خبر دارد: «جشن انار تو خیلی از استان‌ها که انار، بومی خاک‌شونه برگزار می‌شه... روستاهای هورامان هم مثل اونا ولی جشن انار اینجا ثبت ملی شده و انارستونای اینجا فصل برداشت، پاخور گردشگر پیدا می‌کنن... اگه از من بپرسید چرا؟ می‌گم اول به‌خاطر قشنگی بافت پلکانی روستاها و دوم هم به‌خاطر فضای مجازی.» او برای دنبال‌کنندگان صفحه مجازی خود از اواسط بهار که پدرش در کار کاشت نهال‌های تازه و رسیدگی به درختان بالغ است، محتواهای گوناگون تولید می‌کند تا اواسط پاییز که شماری از آنها، مهمان مشتری محصولات اناریشان می‌شوند: «خبر رب، سس، مربا، ترشی و روغن هسته انار برای خیلی از گردشگر، بهونه‌س، اونا بیشتر به قصد گشتن تو روستا و شرکت در جشن میان.»

و از این روست که هوراز لیست قیمت‌های روز انارهای باغی را در صفحه مجازی‌اش انتشار می‌دهد.

مصائب شیرین هه‌نارانه

حالا کار زنانی که همسرانشان باغدارند هم زیادشده؛ سبدهای چوبی‌ای را که خودشان برای انار چینی بافته‌اند پیش دست می‌گذارند. انبارهای سرد و سنگی را که سقف کوتهاشان روی تیرک‌هایی از چوب درخت بلوط است، برای ذخیره انارهای مازاد چارو می‌کنند، پارچه‌های نخی آبیگری را از بقچه‌های بیرون می‌آورند، بطری‌های پلاستیکی را که پیش‌تر جمع کرده‌اند برای شربت‌ریزی، شست‌وشوی آخر می‌دهند و دیگر واج‌های گاز را از خانه تا انارستان‌ها به کول می‌برند. صغری پناهی از اهالی سلین است که دادا صغری صدایش می‌کنند. او در درست کردن آبنبات‌های اناری، بیشتر از باقی زنان روستا دست و پنجه دارد: «همه مر دای روستا باغ ندارند. خدایامرز کاک مراد، شوهرم هم باغ نداشت.» فکر درست‌کردن آبنبات اناری، نخستین بار وقتی به ذهنش رسید که می‌خواست دست پر به خانه پدرش و دیدن نوه‌هایش برود: «از بی‌باغی، کارگر باغ اهالی روستا شدم. نگا به حالام نکن که فقط می‌شینم وسط باغ و کیلو کیلو انار دون می‌کنم...» سرانگشتان دستان دادا صغری مانند اغلب زنان روستا که با انار سروکار دارند، از اسید آب انار زخم‌است؛ زخم‌هایی عمیق و کهنه. یکی از بزرگ‌ترین انارستان‌های سلین به نام شریف عثمانی است. به باغ او ۴۰۰ اصله درخت انار سایه انداخته که میانگین برداشت سالانه‌اش ۵۰ تن می‌شود: «جشن انار برامون برکت داشته و باعث شده انارهای کمتری از بار باغمون به‌خاطر نداشتن سردخونه درست و حسابی از بین بره. خدا رو خوش نیامد هر سال بیشتر از ۱۰۰ کیلو انار از کل محصول هر باغدار توی سردخونه‌های سنتی کپک بزنن.»

